

# مشارکت سیاسی زنان صدر اسلام

نهله غروی نائینی \*

## چکیده

تصمیم‌گیری و تعیین قوانین و مقررات جامعه‌ها به فرمان خداوند یکتا و خالق انسان‌هاست که به عهده پیامبران خود و جانشینان آنها نهاده است تا اوامر الهی و احکام و قوانین را در جامعه پیاده نمایند. پذیرش و عدم پذیرش حکمرانی فرستادگان الهی، نقش سیاسی هر فرد در جامعه است. زنان مسلمان با پذیرش دین اسلام و نبوت و رهبری رسول خدا ﷺ، اطاعت آن حضرت را گردن نهاده و در فرمایشات و حرکت‌های سیاسی آن جناب با همراهی یا عدم همراهی، مشارکت یا مخالفت خود را ابراز داشتند. این مقاله به تبیین حرکت‌های سیاسی زنان صدر اسلام پرداخته و نمونه‌های همراهی یا عدم آن را با رهبری جامعه نشان داده است.

## کلید واژه

مشارکت سیاسی، زنان، صدر اسلام، بیعت رهبر

---

- تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۲۱؛ تأیید نهایی: ۱۳۸۷/۱۲/۵

\* - دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

### طرح مسأله

ظهور دین اسلام و دعوت آشکار رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بستگان، اهل قبیله و عشیره خویش و پس از آن سایر مشرکان و ساکنان شبه جزیره عربستان قدرتمندان و صاحبان زر و زور را وحشت زده کرد و توسعه دین الهی در میان مردم، آنان را به هراس انداخت که مبدا قدرتشان از کفشان ربوده شود و مردم به آنان دیگر توجه نکنند. چون طرفداران از این رو به افزایش بودند؛ لذا دعوت دینی و یکتاپرستی از نظر آنان صبغه سیاسی بخود گرفت و مهاجرت به یثرب و شهر مدینه النبی این ترس و وحشت را افزایش بخشید و الحاق هر دسته و جمعی به این آئین جدید و پیمان بستن و بیعت کردن با رسول خدا صلی الله علیه و آله، حرکتی سیاسی تلقی شد. زیرا تعداد ایمان آورده‌ها بسوی می‌رفت که مسلمانان قدرتی شوند و سایر قدرت‌ها و حکومت‌ها را تحت الشعاع خود قرار دهند و سبب متلاشی شدن قدرت‌ها و سیاست‌ها گردند.

در این مجال گزارش حرکت‌های سیاسی زنان را با بیعت کردن ایشان آغاز می‌کنیم و در مطالعه تاریخ و سیره زندگانی مسلمانان، صدر اسلام می‌بینیم که زن مسلمان و پیرو رسول الله صلی الله علیه و آله زمانی با عهد بستن با رهبر جامعه، مشارکت سیاسی دارد؛ عصری با سیاست و روش خلیفه غاصب بیعت نمی‌کند و در روزگاری از حربه گریه، علیه سیاست غلط حکام و سلطه‌گران استفاده می‌کند؛ گاه در برابر سیاست ناحق و ظالمانه، زبان به اعتراض می‌گشاید و از گفتن حق و یادآوری کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله ابا ندارد؛ روزگاری با پند و اندرز مختلف، موضع سیاسی خویش را مشخص می‌کند و

بالاخره زمانی در دربار خلیفه، برحق نبودن و ظلم او را به رخش می‌کشد.

### ۱) حرکت‌های سیاسی زنان تازه مسلمان

زنان تازه مسلمان به دنبال پذیرش دین الهی، خود را تحول یافته دیدند و در راه محکم کردن ایمان خویش قدم‌های مؤثری برداشتند که نمونه‌هایی از عملکرد ایشان را ذیلاً یادآور می‌شویم.

#### ۱ - ۱) بیعت با زنان مسلمان

اولین مشارکت سیاسی زنان تازه مسلمان را در سال‌های دوازدهم و سیزدهم از بعثت نبی اکرم ﷺ رقم می‌زنیم «در سال دوازدهم پس از بعثت دوازده مرد از قبیله‌های اوس و خزرج در عقبه اولی با پیامبر ﷺ ملاقات و بیعت کردند و رسول خدا ﷺ با زنان نیز بیعت فرمودند» (العاملی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ص ۳۰۹). بیعت کردن سنتی بود که قبل از اسلام نیز در میان اعراب رواج داشت.

ماهیت بیعت یک نوع قرارداد و معاهده میان بیعت‌کننده از یک‌سو و بیعت‌پذیر از سوی دیگر است و محتوای آن اطاعت، پیروی، حمایت و دفاع از بیعت‌شونده است، از لحن آیات قرآن و احادیث استفاده می‌شود، بیعت یک نوع عقد لازم از سوی بیعت‌کننده است که عمل بر طبق آن واجب می‌باشد. همانگونه که می‌فرماید: «ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله یدالله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه و من اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجراً عظیماً» (فتح، ۱۰). (آنها که با تو بیعت می‌کنند درحقیقت فقط با خدا بیعت می‌نمایند و دست خدا بالای دست آنهاست. هرکس پیمان‌شکنی

کند به زیان خود پیمان شکسته است و آنکه نسبت به عهدی که با خدا بسته و وفا کند به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد). نیز خداوند می‌فرماید: «اوفوا بالعقود» (مائده، ۱). (به عهد و پیمان وفا کنید). بنابراین بیعت‌کننده حق فسخ ندارد، لکن بیعت‌پذیر چنانچه صلاح بداند می‌تواند بیعت خود را بردارد و فسخ کند.

در سال سیزدهم بعثت جمعی از اسلام آورده‌ها در مراسم حج شرکت کردند و با وجود همه فشارها و آزار مشرکین، در خانه عبدالمطلب با رسول‌خدا ﷺ بیعت نمودند که عقبه نامیده شد. آنها هفتاد یا هفتاد و سه مرد و دو زن بودند. (همان: ج ۳، ص ۳۱۵). این بیعت رنگ سیاسی و فرمانبری را داشت. زمینه‌های فکری چنین بیعتی در قرآن مفهوم عهد و عقد بود. رعایت عهد و عقد از اساسی‌ترین اصولی بود که یک فرد مسلمان باید بدان عمل می‌کرد چنانکه در آیه اول سوره مائده آمده است.

در این پیمان حقوقی بر عهده رسول‌الله ﷺ مطرح است و حقوقی بر گردن بیعت‌کنندگان و آن عبارتست از اینکه اطاعت رسول‌الله ﷺ را در حال شادی و کسالت، انفاق کردن در گشاده دستی و تنگدستی، امر به معروف و نهی از منکر در راه خدا بجا آورند و از سرزنش سرزنش‌کنندگان ترس نداشته باشند. در این بیعت‌ها، رسول‌خدا بیعت‌کنندگان را متوجه امر خطیر و مشکلات در پیش و سختی‌ها و رنج‌های آتی می‌نماید و با یادآوری مشکلات و سختی‌ها با آنها بیعت می‌کند که این نشانه آگاهی بیعت‌کنندگان از جمله زنان حاضر در بیعت‌هاست که با آگاهی برای پیروی از سیاست و

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

روش صحیح فرستاده الهی، مشکلات را پذیرا هستند و با صاحب حکومت اسلامی و فرمانده جهان اسلام بیعت می‌کنند. بیعت‌کنندگان بر آنچه بیعت بسته‌اند باید پایدار و ثابت قدم باشند، لذا اگر روش و مسلکی که بر سر آن تعهد بسته‌اند، تغییر یابد و غیرمطلوب گردد، آنها باید از اطاعت آن سرباز زنند. و پیرو سنت نبوی باشند و در امور تصمیم گرفته شده توسط رسول‌الله ﷺ منازعه و چون و چرا نکنند و آن را بپذیرند. این مطلب را گوشزد می‌کند و اطاعت از پیامبر ﷺ را مقید به معروف کرده و می‌فرماید: «... و لایعصینک فی معروف فبایعهن و ...» (ممتحنه، ۱۲) (و در هیچ کار شایسته‌ای مخالف فرمان تو نکند، با آنها بیعت کن و ...).

آنچه در مورد بیعت در زمان رسول‌خدا ﷺ اهمیت دارد، محتوای این بیعت‌هاست، بیعت آنان با آن حضرت نشانگر اظهار پایبندی فرد بیعت‌کننده در عمل به مسائل دینی و اطاعت از رسول‌خدا ﷺ بوده است (ر.ک. جعفریان، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۳۹۲).

با اینکه پیامبر اکرم ﷺ معصوم است و هرگز امر به منکر نمی‌کند. لکن این تعبیر ممکن است به عنوان الگویی برای اطاعت از اوامر زمامداران اسلامی باشد، همانگونه که امیرالمؤمنین در نامه به مردم مصر درباره فرمانروایی مالک اشتر نوشت: «... فاسمعوا له و اطیعوا امره فیما طابق الحق» (نهج البلاغه، ۱۳۷۱: نامه ۳۸، ص ۳۱۲). (آنجا که حق بود سخن او را بشنوید و او را فرمان برید).

در بیعت‌هایی که صورت گرفت، شروطی گذاشته شد که یکی از این

شروط این بود که چنانچه رسول خدا ﷺ شخصی را برای جانشینی خویش معرفی فرمود، بیعت کنندگان از او پیروی کنند و او را مولا و حاکم خود بدانند و از اطاعتش سرپیچی نکنند و پیرو او باشند. توصیه‌های پیامبر اکرم ﷺ درباره اهل بیتش را با جان و دل پذیرا باشند و حقوق ایشان را رعایت کنند (ر.ک. عاملی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ص ۳۲۶).

پس چگونه می‌توان گفت که پیامبر اکرم ﷺ خلیفه خویش را معین نفرمود!! درحالی‌که این مطلب را در دعوت از خاندان و نزدیکان خویش «انذر عشیرتک الأقرین...» مطرح نموده و فرمودند: «اولین کسی که به من ایمان آورد، خلیفه و وصی من خواهد بود» این مطلب را در واقعه غدیر نیز به صراحت اعلام فرمودند.

رسول خدا ﷺ به بیعت کنندگان در عقبه اجازه نداد که در آن زمان علیه قریش دست به شمشیر ببرند - علی‌رغم اینکه تعدادی از ایشان بسیار پرشور بودند و خواستار جنگیدن با قریش - لکن چون از جانب خداوند اجازه نداشتند از امر رسول خدا ﷺ اطاعت کردند. زنان بیعت کرده، این شرایط را برگردن گرفتند و بعداً در تاریخ می‌بینیم که آنان بر پیمانشان با رسول الله ﷺ قابت قدم ماندند و با غاصبین خلافت آن حضرت و ناحقان، بیعت نکردند. زن پس از دوره جاهلی که قبل از آن انسان تصور نمی‌شد و حقوقی برای او قائل نبودند، با آمدن اسلام، دارای شخصیتی والا شد و آزاد و مصمم با رسول خدا بالاترین پیمان‌ها را بست. بنابراین پذیرش این بیعت از جانب بانوان جامعه، بزرگترین مشارکت سیاسی زن مسلمان بود. زنان مؤمن و

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

باتقوایی چون: «اسماء دختر ابوبکر» (کاتب واقدی، بی تا: ج ۸، ص ۲۵۲؛ کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۴۷). «اسماء دختر عمیس» (غروی نائینی، ۱۳۷۵: ص ۳۴). «ام سلیم دختر خالد خزر جی» (همان، ص ۴۳). «ام ایمن دختر ثعلبه بن عمرو» (ابن اثیر، بی تا: ج ۵، ص ۴۰۸). «ام ایوب» (غروی نائینی، ۱۳۷۵: ص ۵۱). «ام حرام دختر ملحان» (کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۲۵۳). «ام سنان الاسلامیه» (کاتب واقدی، بی تا: ج ۸، ص ۲۹۲). «ام مبشر دختر براء بن معرور انصاری» (غروی، ۱۳۷۵: ص ۱۰۵). «ام هشام انصاری که در بیعت رضوان با رسول الله بیعت کرد» (کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ص ۲۱۱). «آمنه بنت محسن اسدی خنساء دختر خدام» (غروی، ۱۳۷۵: ص ۱۶۸). «خوله دختر قیس انصاری» (همان، ص ۱۷۰). «زینب ثقیفه» (همان، ص ۱۸۲). «سوده دختر زعمه» (همان، ص ۲۱۸). «صفیه دختر عبدالمطلب، عمه رسول الله ﷺ» (امین، ۱۴۰۳ق: ج ۷، ص ۳۹۰؛ کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۳۴۳). «ربیع دختر معوذ انصاری که با پیامبر اکرم ﷺ در زیر درخت رضوان بیعت برای جنگ حدیبیه بیعت کرد» (غروی نائینی، ۱۳۷۵: ص ۱۷۸).

قرآن کریم درباره بیعت کنندگان زیر درخت رضوان می فرماید: «لقد رضی الله عن المؤمنین اذ بیاعونک تحت الشجرة فعلم ما فی قلوبهم فأنزل السکینه علیهم اذ ابهم ففتحاً قريباً» (فتح، ۱۸) (خداوند از مؤمنانی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند، راضی و خشنود شد، خدا آنچه را در درون قلب آنها نهفته بود می دانست، لذا آرامش را بر دل های آنها نازل کرد و فتح نزدیکی به عنوان پاداش نصیبشان کرد).

بسته به احوال بیعت کنندگان و اوضاع جامعه، عهد و پیمان بیعت ممکن

است متنوع باشد؛ چنانکه درباره بیعت با زنان پس از فتح مکه که به سرکردگی هند همسر ابوسفیان نزد رسول الله آمدند و بالاخره مجبور به اسلام آوردن شدند، مشاهده می شود که آیه قرآن شرایط بیعت ایشان را به گونه دیگری که گویای خصلت ایشان بوده مطرح می فرماید: «یا ایها النبی اذ جاءک المؤمنان بیایعنک علی أن لا یشرکن بالله شیئا و...» (ممتحنه، ۱۲)، (ای پیامبر هنگامی که زنان ایمان آورده نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خداوند قرار ندهند، دزدی نکنند، آلوده زنان نشوند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتزایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته ای مخالفت فرمان تو نکنند با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند طلب آمرزش نما که خداوند آمرزنده و مهربان است).

آیات و گزارش های بیعت های رسول الله با زنان نشان می دهد که برخلاف گفته بی خبران یا مغرضان که می گویند: اسلام برای نیمی از جامعه انسانی یعنی زنان ارزشی قائل نیست و آنها را به حساب نمی آورد، دقیقاً آنها را در مهمترین مسائل به حساب آورده است و زنان در بیعت حدیبیه و در فتح مکه همانند مردان در این پیمان الهی شرکت کردند.

اگر بیعت جنبه اجبار و اکراه داشته باشد و به صورت غافلگیرکردن مردم باشد، ارزشی ندارد، بلکه بیعتی با ارزش است که از روی اختیار و آزادی اراده و فکر و مطالعه انجام گیرد.

بیعت تاریخی و مهم دیگر، بیعت مسلمانان با امام علی علیه السلام در روز واقعه غدیر خم بود که مسلمانان در آن روز ولایت علی بن ابیطالب را چون ولایت



رسول اکرم ﷺ پذیرفتند و با امام علی علیه السلام به عنوان رهبر جامعه اسلامی بیعت کردند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «در این بیعت خطیر زنان نیز شرکت داشتند» (مجلسی؛ ۱۴۰۳ق: ج ۹۴، ص ۱۱۲). البته همه کسانی که در حجة الوداع شرکت داشتند در واقعه غدیر حضور داشتند، زیرا غدیر در محلی بود که حجاج پس از پایان اعمال در مسیر بازگشت هنوز از هم جدا نشده بودند.

## ۲-۱) بیعت و انتخاب

یکی از مطالبی که ضروری است درباره آن صحبت شود، رابطه بیعت و انتخابات است، بسیاری از افراد بیعت را شبیه انتخابات یا نوعی از آن می‌دانند در حالی که مسأله انتخابات عکس بیعت است ماهیت انتخابات نوعی ایجاد مسئولیت و وظیفه، به تعبیری نوعی توکیل در انجام کاری است، هر چند این انتخاب وظائفی هم برای انتخاب کننده دارد در حالی که در بیعت چنین نیست. پس در انتخابات اعطای مقام است، همچون توکیل، لکن بیعت، تعهد اطاعت است. گرچه ممکن است این دو در برخی آثار با یکدیگر شباهت پیدا می‌کنند، لکن این شباهت هرگز به معنی وحدت مفهوم و ماهیت آنها نیست، لذا در بیعت، بیعت کننده قادر به فسخ نیست در حالی که در انتخابات در بسیاری از موارد انتخاب کننده حق فسخ دارد که دسته جمعی شخص انتخاب شده را می‌توانند از مقامش عزل کنند (ر.ک. مکارم شیرازی، بی تا: ج ۲۲، ص ۷۲).

رسول خدا ﷺ و اهل بیت آن حضرت (امامان معصوم) که از جانب خداوند مأمور هستند، اطاعتشان به دلالت آیات قرآن واجب است، همچنانکه

می فرماید: «قل اطیعوا الله و الرسول فان تولوا فان الله لایحب الکافرین» (آل عمران، ۳۲) «... انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» (احزاب، ۳۳) «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم...» (نساء، ۵۹). آیات دیگر نیز (ر.ک. آل عمران، ۱۳۲؛ نساء، ۵۹؛ مائده، ۹۲؛ انفال، ۱؛ آل عمران، ۳۱). بنابراین اطاعت از پیامبر ﷺ و امام علیؑ بر همه مسلمانان واجب است و نیازی به بیعت نیست، بیعت رسول الله ﷺ بامردم، نوعی تأکید بر وفاداری بوده و در مواقع خاص انجام می‌گرفت، خصوصاً جهت پایداری در سختی‌ها و بحران‌ها. لکن بیعت با خلفا جهت پذیرش مقام خلافت بود.

### ۳- ۱) همکاری در بنای پایگاه فعالیت سیاسی

زنان صحابی رسول اکرم ﷺ در امر ساختن مسجد پیامبر ﷺ پایگاه فعالیت دینی و سیاسی رسول الله ﷺ نیز شرکت کردند، این مطلب در برخی از منابع آمده در کتاب «کاشف الاستار عن زوائد البزار» آمده: زنان در حمل سنگ‌های بنای مسجد شب‌ها مشارکت داشتند و مردها در روز و این مطلب مشارکت سیاسی، اجتماعی و عبادی زنان بود که تأمل در آن نشان می‌دهد که امری بسیار مهم بود، خصوصاً پس از دوران جاهلیت عرب که زن را تحقیر می‌کرد و در امور مهم دخالت نمی‌داد. گزارش‌ها نشان می‌دهد که در اسلام زن‌ها با حفظ حجاب اسلامی و جداسازی محیط از مردان اینگونه فعالیت سیاسی، اجتماعی و دینی داشتند (ر.ک. عاملی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۲۲۳).

#### ۴ - ۱) شرکت در جنگ‌ها

بسیاری از زنان صحابی پیامبر اکرم ﷺ در جنگ‌ها برای کمک به لشکریان، آب رساندن به سربازان و مداوا نمودن زخمی‌ها شرکت می‌کردند و از این راه نیز حضور خود را در همراهی با رسول خدا ﷺ و حمایت از دین اسلام و حکومت اسلامی ابراز می‌داشتند. نمونه‌هایی از زنان مسلمان صحابی رسول اکرم ﷺ عبارتند از:

«ام‌ایمن خدمتکار مؤمن و باتقوای پیامبر ﷺ که در غزوه احد و خیبر شرکت داشت» (رک. ابن‌سعد، بی‌تا: ج ۸، ص ۴۲۲). «ام‌سنان اسلمیه زنی شجاع، با محبت و دوست‌دار اهل بیت بود و برای جنگ خیبر همراه رسول خدا ﷺ برای معالجه مجروحان و بیماران و محافظت از کالای مجاهدان و سیراب کردن تشنگان عازم جبهه جنگ شد» (همان، ص ۲۹۲). «ام سلیم که در جنگ حنین برای دفاع از خود و کشتن مشرکان خنجر به دست گرفت. او در جنگ احد نیز حضور داشت» (همان). «ام عطیه نسبیه دختر حارث از بزرگان بانوان صحابی رسول خدا ﷺ بود که در بسیاری از غزوه‌ها همراه پیامبر اکرم ﷺ شرکت داشت» (همان، ص ۴۵۶). «لیلی غفاری از اصحاب پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام از مجاهدین جنگجو بود که همراه رسول خدا ﷺ برای مداوای مجروحین و مراقبت از بیماران در جنگ‌ها شرکت داشت (غروی، ۱۳۷۵: ص ۳۱۲).

بانوانی که در واقعه کربلا به همراه امام حسین علیه السلام بودند، نیز در حرکت سیاسی آن حضرت شریک بوده، به ویژه بانوانی چون «ام کلثوم»، «صغری»

و «فاطمه» دختران امیرالمؤمنین علیه السلام که برای حمایت از امام و رهبرشان از مدینه راهی کربلا شدند؛ همسران و دختران اباعبدالله علیه السلام که همراه امام بودند و در برابر مصیبت‌ها اطاعت امام خود را نمودند و شیون و زاری نکردند (همان، ص ۱۱۰).

## ۲) حرکت‌های سیاسی حضرت زهرا علیه السلام

حضرت زهرا علیه السلام که سرآمد همه زنان عالم است، همه اعمال، گفتار و رفتار آن حضرت سرمشق و الگو برای همه زنان و مردان است. در اینجا حرکت‌ها و مشارکت‌های آن حضرت را که والاتر و بسیار بارزش‌تر از هر حرکت دیگر در تاریخ بوده را ذکر می‌کنیم.

حضرت زهرا علیه السلام با خلیفه غاصب که خود را جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می‌کرد، بیعت نکرد بیعت نکردن آن حضرت و همسرش، سبب خشم غاصبان و در نتیجه مضروب شدن و سقط جنین و بالاخره شهادت فاطمه علیه السلام شد (ر.ک. طبری، بی تا: ج ۲، ص ۴۴۳؛ ابن قتیبه، ۱۳۲۲ق: ص ۱۳؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۳ق: ج ۲، ص ۲۰). آن حضرت در سخنان گله‌آمیز خود خطاب به زنان انصار که برای احوال‌پرسی وی آمده بودند، فرمود: «بخدا قسم صبح کردم درحالی که در نظر من دنیای شما مکروه و مبعوض است و مردان شما رادور افکندم زیرا آنها را دشمن خویش یافتم پس از آنکه آنها را امتحان کردم... من قلاده خلافت و غضب فدک و غیر آن را برگردن ایشان انداختم و ننگ این کردار زشت مخصوص ایشان است و همچنین باشد مثله شدن و مجروح شدن و ملعون گشتن و به سخط الهی مبتلی شدن و در زمره ظالمان در آمدن که سزاوار این قوم است که

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

منصب خلافت را از مرکز خود و امامت را از اهل بیت رسالت و قواعد متین نبوت و محل نزول امین وحی و حاذق به امر دنیا و دین این امت را غصب کردند... بخدا قسم اگر از اطراف علی پراکنده نمی شدند و زمام خلافت را که خدا و رسول بدست او داده بودند از او باز نمی گرفتند، هر آینه علی آنها را با سهولت و سلامت از عمق ضلالت می رهانید و بر سرچشمه آب حیات ابدی و نهر سرشار علم و حکمت بتوفیق الهی می رسانید؛ بدون اینکه صدمه ببینند. امر دنیا و آخرت آنها را چنان آباد می ساخت که مایه غبطه دیگران می گردید و از جهت احاطه امیرالمؤمنین به مصالح و مفاسد امور و کثرت علم او به آنچه واقع شده و می شود در شب و روز و روزگاران، زیرا که علم علی دریایی است در آن گل و لای و تیرگی آب ندارد و چنان وسیع است که از هر طرف می توانند تشنگان بر او وارد شوند» (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ص ۱۵۹).

حضرت زهرا علیها السلام در سخنان عتاب آمیز خود در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله با همه ضعف جسمی و آزردهی جسمی و روحی خطاب به قوای حاکمه فرمود:

«... شیطان از کمینگاه خود سر بر آورد و شما را بسوی خود خواند و شما را دعوت نمود و دید که دعوت او را اجابت می کنید و آماده فریب خوردن از او هستید، و چون شما را به قیام بر علیه حق خواند قیام و سرعت قبول شما را یافت... وای بر شما! آیا می خواهید از او روی گردانید یا به غیر آنچه که در قرآن هست حکم کنید؟... سپس درنگ نکردید مگر به مقدر آرام شدن فتنه و جای گرفتن قلاده آن که شروع نمودید در بر افروختن شعله های فتنه و برانگیختن هیزم های آن و ندای شیطان مکار را اجابت کردید و شروع به

خاموش کردن انوار دینی روشن و بی‌اعتنایی به سنت‌های پیامبر برگزیده نمودید. به ظاهر طرفداری از دین می‌کنید در حالی که در باطن به نفع خود عمل می‌کنید و نسبت به اهل بیت و فرزندان‌شان با حيله و نیرنگ رفتار می‌کنید...» (ابن طیفور، ۱۹۸۷: صص ۲۹ - ۲۳).

حق‌خواهی حضرت زهرا علیها السلام و طلب فدک و ارث پدر فقط برای زندگی خود نبود، زیرا که رسول‌الله صلی الله علیه و آله به او فرموده بود که او قبل از دیگران به آن حضرت می‌پیوندد. پس فاطمه علیها السلام ارث را برای چه می‌خواست؟ او که به کم‌خوردن و سادگی عادت کرده بود و برای رضای خدا روزه می‌گرفت و افطارش را به فقیر و مسکین و اسیر می‌داد. او این سرمایه را برای حمایت از ولایت امام علی علیه السلام و اولادش، برای سیاست صحیح و الهی می‌خواست.

## ۱ - ۲) گریه سیاسی

پس از رحلت رسول‌الله صلی الله علیه و آله که با اطاعت نکردن از آن حضرت در آخرین دقایق حیات مبارکش همراه بود و با برپایی سقیفه و غصب حق خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام؛ زهرای اطهر علیها السلام شب و روز گریه می‌کرد و هر روز با دو فرزندش - حسن و حسین - که تعدادی از زنان مسلمانان به دنبال ایشان بودند. به بقیع می‌رفت و برای غم از دست دادن رسول‌الله صلی الله علیه و آله گریه می‌کرد. به نظر می‌رسد گریه فاطمه علیها السلام فقط برای غم از دست دادن پدر نبود، بلکه به جهت فقدان رسول‌خدا صلی الله علیه و آله و مسیر انحرافی که جماعت در سقیفه انتخاب کردند بود؛ لذا ادامه حرکت او سبب افزایش طرفدارانش و اوج گرفتن فقدان وجود مبارک رسول‌خدا صلی الله علیه و آله می‌شد. این موارد برای

## فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

حکمرانی خلیفه غاصب خطرناک بود؛ لذا مانع گریه کردن آن بانوی گرامی شدند. لذا با ارائه حدیث: «ان المیت لیعذب بیکاء الحی» مانع گریه کردن آن بانوی گرامی شدند. باید گفت که رسول خدا ﷺ هرگز مانع گریه کردن بر میت نشدند و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که آن حضرت یکبار در شهادت «حمزه» و بار دیگر در غم از دست دادن «عثمان بن مظعون» گریست و به گریه کردن توصیه فرمود. خود آن بزرگوار در غم از دست دادن فرزندش «ابراهیم» نیز گریست.

بنابراین نیروی حاکم بر جامعه مانع گریستن فاطمه علیها السلام شد. درحالی‌که این گریه یک حرکت سیاسی برای متوجه کردن مردم به وقایع رخ داده بود.

### ۳) حرکت‌های سیاسی همسران پیامبر ﷺ

در قضیه حدیبیه، هنگامی که رسول الله ﷺ از مسئله حدیبیه فارغ شدند، به اصحاب فرمودند: برخیزید و شتر نحر کنید و سر بترائید. راوی گوید: کسی اطاعت نکرد و انجام نداد و حضرت سه بار تکرار کردند، لکن هیچ‌کس برنخواست. رسول خدا ﷺ نزد ام‌سلمه رفتند و نظر او را درباره چگونگی شرایط موجود پرسیدند، پیشنهاد او مؤثر افتاد و امور رسول الله ﷺ انجام شد (ر.ک. طبری، بی‌تا: ج ۱، ص ۶۳۶؛ کحاله، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۲۲۲). این مشورت نشانگر مؤثر بودن رأی ام‌سلمه در امور سیاسی است. این بانوی گرامی در غزوه «خیبر» فتح مکه، حصار الطائف، «غزوه هوازن»، «تقیف» و بالاخره در حجة الوداع و بدنبال آن در واقعه تاریخی غدیر خم و مسئله بیعت با امیرالمؤمنین، همراه رسول خدا ﷺ بود.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ که پیوسته غم اسلام و مسلمین را به جان خریدار بود، در آخرین ساعات از عمر مبارکش وسیله نوشتن می‌طلبد تا آنچه را برای حفظ امت اسلام لازم می‌داند برای آنها بنویسد و آنان را برای همیشه از ضلالت و گمراهی بدور سازد، لکن اطرافیان و در رأس آنها عمر جوسازی می‌کند و مانع آوردن ابزار نوشتن می‌شوند. درحالی‌که همسران پیامبر ﷺ از پس پرده می‌گویند: آنچه را رسول الله ﷺ خواسته فراهم آورید (رک. کاتب‌واقدی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۴۳؛ بخاری، بی‌تا: ج ۴، ص ۷؛ ابوریه، بی‌تا: ص ۵۲).

این جریان شاهد بر التزام زمان به اطاعت از رسول الله ﷺ رهبر جامعه و اعتراض آنها به اولین انحراف سیاسی است.

همسران پیامبر ﷺ که سال‌ها شاهد زحمات و غمخواری‌های رسول خدا ﷺ بودند می‌دانستند که خواسته آن حضرت به نفع مردم است، به همین سبب تأکید در اطاعت آن حضرت داشتند. «ام سلمه» همسر پیامبر اعظم ﷺ از شاهدین آخرین لحظات حیات رسول الله ﷺ بود (طبری، بی‌تا: ج ۲، ص ۹۸). وی پس از رحلت آن حضرت همچنان در بیعتش با رسول خدا ﷺ پا بر جا ماند و یاری‌دهنده وصی پیامبر ﷺ و دشمن و ستیزه‌جویان آن حضرت بود و خط سیاسی اش تغییر نکرد، ام سلمه بر حق بودن زهرا علیها السلام در قضیه فدک را گواهی داد و به سبب این شهادت، ابوبکر و عمر یک‌سال خرجی او را قطع کردند (رک. محلاتی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۹۴، ۲۹۵). این بانوی گرامی در دوران خلافت چهار خلیفه پس از رسول الله ﷺ به مناسبت وقایع سیاسی، بارها احادیثی از پیامبر ﷺ نقل کرد تا گمراهان و مشتبهان را



فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

هدایت و رهبری کند. ام سلمه و «میمونه» از همسران پیامبر ﷺ هستند که خلافت اولی و دومی را نپذیرفتند و با بیان احادیث پیامبر اکرم ﷺ دیگران را به حمایت از علی بن ابیطالب ﷺ می خواندند.

ام سلمه برای نصیحت عثمان و اصلاح سیاست به او گفت: «ای فرزند! چیست که می بینم رعیت تو از تو گریزان شده اند و از جناح و حزب تو روگردان شده اند. راهی را که پیامبر دوست می داشت درنگذر» وی برای حمایت از امام علی ﷺ «ابو ایوب انصاری» را تحریض به رفتن بسوی علی ﷺ کرد (ر.ک. طبری، بی تا: ج ۲، ص ۵۳۴). همچنین فرزند خویش عمر را توصیه کرد که پیرو راه علی ﷺ باشد و خود همواره حامی و طرفدار فرزندان امام علی، امام حسن و امام حسین ﷺ بود (ر.ک. عاملی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ص ۲۴۹). ام سلمه به سبب وفاداری، صداقت، راستی و ایمانش به رسول الله ﷺ، از اسراری سیاسی توسط آن حضرت آگاه شده بود و به همین دلایل پس از رحلت آن بزرگوار خلافت ناحق و سلطه معاویه بر مسلمانان، پسر «ابن اوطاة...» والی مدینه شد؛ هیچ یک از مردان بنی سلمه با او بیعت نکردند تا جابر نزد ام سلمه می رود و درباره بیعت با معاویه با وی مشورت می کند. ام سلمه می گوید: «می دانم که بیعت ضلالت است، لکن در این شرایط چاره ای جز بیعت نداری» (طبری، بی تا: ج ۳، ص ۷۲؛ کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ص ۲۲۶).

ام سلمه برای بازداشتن عایشه از جنگ با امیرالمؤمنین ﷺ او را بسیار نصیحت کرد و بعد از آن نیز برای وی نامه نوشت تا او را از جنگ بازدارد، در شرح ابن ابی الحدید کلمات بلیغ او را آورده است. (ر.ک. ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳ق: ج ۲،

صص ۷۷-۸۰). ام سلمه چون از نصیحت و احتجاج با عایشه فایده‌ای ندید، ناچار از مکه نامه‌ای به امیرالمؤمنین علیه السلام نوشت و آن را به پسرش عمر داد و گفت: «این مکتوب را هرچه سریع‌تر به دست امیرالمؤمنین علیه السلام برسان و ملازم راکب او باش و هرچه گوید فرمانبردار باش. ام سلمه آنچه را بین او و عایشه گذشته بود در آن نامه نوشته و عرض کرده بود: ای امیرالمؤمنین! اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ما را به لزوم بیعت فرمان نداده بود، من ملازم راکب شما می‌شدم، اکنون فرزند خود را فرستادم تا امر شما را اطاعت نماید (ر.ک. کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۵، صص ۲۲۶-۲۲۴؛ محلاتی، بی تا: ج ۲، ص ۳۰۱). آنگاه معاویه امر کرد که در منبر مساجد، علی علیه السلام را لعن کنند؛ ام سلمه به معاویه نوشت: تو با امرت خدا و رسولش را بر منبرهایتان لعن می‌کنید، من شهادت می‌دهم که دوستدار او، خدا و رسول هستند. لکن به گفته ام سلمه توجهی نشد (ر.ک. کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ص ۲۲۶).

#### ۴) حرکت‌های سیاسی زنان صحابی

«اسماء بنت عمیس» از بزرگان زنان صحابی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و همسر ابوبکر بود که پس از فوت همسرش با علی بن ابیطالب علیه السلام ازدواج کرد. او در حق حضرت زهرا علیها السلام با شهادت کامل بر فدک شهادت داد و حدیث جعلی خلیفه «نحن معاشر الانبیاء لانورث، ما ترکناه صدقه» را رد کرد (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۳، ص ۱۸۲). وی با شهادت خویش حرکت سیاسی صادقانه‌ای انجام داد؛ لکن ابوبکر شهادتش را نپذیرفت. بیان حدیث غدیر و تکرار آن، فعالیت سیاسی دیگری از اسماء است که خلافت بلافصل علی علیه السلام را گواهی می‌داد، اسماء اتفاق شوم جمعی را در خانه ابوبکر پس از واقعه حجة الوداع گزارش کرده و گفته است

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

که آنها اجماع کردند که مخالف فرمایش رسول الله ﷺ حرکت کنند (همان، ج ۲۸، ص ۱۰۲). وی از شهود لحظات آخر حیات رسول خدا ﷺ بود و وصیت آن حضرت را شنید (طبری، بی تا: ج ۲، ص ۹۸). «اروی بنت حارث» از اصحاب رسول الله ﷺ و امام علی ﷺ درحالی که پیرزنی بود بر معاویه پس از آنکه با نیرنگ بخلافت رسیده بود وارد شد و او را به جهت خلافت ناحقی که غضب کرده بود استیضاح کرد و آبروی خلیفه را در برابر درباریان بریخت تا جایی که عمروعاص طاقت نیاورد و با اهانت «اروی» را مخاطب قرار داد (رک. ابن طیفور، ۱۹۸۷م: ص ۴۳). در آن مجلس مردان سیاسی چون معاویه، عمروعاص و مروان به سبب روش‌های غلط و ناحقشان مورد انتقاد و افتضاح زنی چون اروی واقع شدند.

از دیگر زنان پیرو حق و سیاست راستین «ام‌اخیر بارقیه»، «دارمیه حجونیه» و «سوده بنت عماره» است که عدالت، جوانمردی، پیروی از حق، محبت و ولای علی ﷺ چنان درایمان قوی ایشان رسوخ کرده بود که در برابر معاویه بن ابی سفیان با شهامت، کلام حق را ادا کرده و به بیان خصایص و رفتار و کردار امیرالمؤمنین علی ﷺ پرداختند تا جایی که معاویه و درباریان را به تعجب واداشته و باکی از کشته شدن به دست فردی چون معاویه نداشتند.

«ام‌اخیر» دختر «حریش بن سراقه بارقیه» که از تابعین رسول خدا ﷺ و اصحاب علی بن ابیطالب علی ﷺ در بارگاه معاویه لغزش‌ها و گمراهی‌های او را متذکر شد و گفت: علی طبق سنت‌های راستین پیامبر ﷺ عمل کرد و برای کسب لذت‌ها از راه راست منحرف نمی‌شد؛ اوست دو شقه‌کننده

بدن‌ها و شکننده‌ت‌ها؛ آنگاه که نماز گزارد مردم مشرک بودند، پیامبر ﷺ را اطاعت کرد درحالی‌که دیگران روی گردانند. شجاعت‌ها و شهامت‌های علی ﷺ در بدر، احد، خیبر و هوازن را یادآور شد تا جایی که معاویه گفت: به خدا قسم اگر ترا بکشم بر من حرجی نیست، ام‌الخیر با شهامت به خلیفه گفت: به خدا سوگند که بدم نمی‌آید که به دست مرد شقی‌ای چون تو کشته شوم (ر.ک. ابن‌طیفور، ۱۹۸۷م: صص ۵۸-۵۵؛ ابن‌عبدربه، ۴۰۴ق: ج ۱، ص ۳۵۴).

ام‌الخیر در جنگ صفین شرکت کرد درحالی‌که تازیانه‌های در دست داشت و مانند شیر نعره می‌کشید و جنگاوران را به جنگ ترغیب می‌کرد و می‌گفت: ای مردم بترسید از ساعت قیامت که امری است عظیم؛ به درستی که خداوند حق را برای شما واضح گردانیده و دلیل و برهان را آشکار کرده و راه را روشن نموده و علم را بلند گردانیده و شما را در کوری و تاریکی نگذاشته، خدا شما را رحمت کند به کجا می‌خواهید بروید؟ از امیرالمؤمنین فرار می‌کنید یا از جنگ؟ از اسلام روی گردانیده‌اید یا از حق برگشته‌اید؟ این بانوی با شهامت در مکتب امام علی ﷺ آموخته بود که باید از حق دفاع کند و از چیزی نهراسد (همان).

«دارمیه حجونیه» زنی سیاه پوست، با فضیلت و فصاحت از قبیله «بنی کنانه» که سیرتی سفید داشت و از طرفداران اصحاب علی بود، در خلافت معاویه زنده بود و در شهر حجون مکه زندگی می‌کرد (همان، صص ۵۸-۵۵). وی رفتار و کردار امیرالمؤمنین علی ﷺ را این چنین توصیف می‌کرد: «علی را دوست دارم به سبب عدلش نسبت به رعیت و اینکه بیت‌المال را مساوی

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

قسمت می‌کرد. تو را دشمن می‌دارم، زیرا با علی قتال کردی در امری که او بر تو برتر بود و چیزی را طلب کردی که حقی در آن نداشتی. علی را دوست دارم چون رسول خدا ﷺ عقد ولایت او را بست. او دوستدار مساکین بود و اهل علم را بزرگ می‌شمرد. تو را دشمن می‌دارم، زیرا خون مردم را به ناحق ریختی و به جور و ستم قضاوت کردی و از روی هوا و هوس حکم می‌کنی معاویه برای تحقیر وی مجدداً کلمات خوارکننده‌ای نثارش کرد و دارمیه نیز به او پاسخ داد (ر.ک. ابوریه، بی‌تا: ج ۱، صص ۳۵۵ - ۳۵۴).

«سوده» دختر «عمارة بن اشتر همدانی»، زنی با صراحت لهجه، بانویی شجاع و فصیح و بلیغ که در گفتار ممتاز بود، در مجلس معاویه نیکی‌های علی بن ابی طالب (علیه السلام) را به رخ او کشید. (ر.ک. همان، ص ۳۴۴). نمونه دیگر از زنانی که در برابر سیاست حاکم، موقعیت خویش را اعلام کرد «جروه» بود، زنی مسلمان و فاضل، هنگامیکه معاویه او را به دربارش احضار کرد، وی با شجاعت تمام از ظلم معاویه شکایت کرد و در برابر سیاست‌های غلط خلیفه زبان به اعتراض گشود (ر.ک. امین، ۱۴۰۳: ج ۴، ص ۷۰).

«غانمه دختر غانم» از شیر زنان مسلمانی که بر جمعی از مردم سخنرانی کرد و به آنها هشدار داد که معاویه لایق امارت بر مؤمنان نیست. جاسوسان بنی‌امیه سخنان او را به معاویه گزارش دادند و اینکه او قصد دارد در مدینه نیز سخنرانی کند، معاویه برای رضایت او دستور داد تا مجلس باشکوهی برای او ترتیب دهند و جایگاه مناسبی برای غانمه فراهم کنند. هنگام ورود غانمه به مدینه، از او استقبال گرمی کردند. او نه تنها شیفته پذیرایی آنها نشد،

بلکه به معاویه سلام نکرد و در جواب سلام او گفت: «سلام بر مؤمنان و ذلت و خواری بر کافران» و شروع به بیان فضایح بنی امیه و فضایل بنی هاشم کرد، چنان با شجاعت سخن گفت که معاویه برای ساکت کردنش، قسم خورد، که دیگر به علی بن ابیطالب علیه السلام دشنام ندهد (ر.ک. محلاتی، بی تا: ج ۴، ص ۳۸۹).

بانوی دیگری را که می توان از درون گزارش های تاریخی معرفی کرد، «اسماء دختر ابوبکر» خلیفه اول است که در حرکت سیاسی خواهر عایشه، موافق او نبود. اسماء پس از قتل فرزندش «عبدالله بن زبیر» بدست حجاج، بدون ترس از وی با او به سختی روبرو شد و با ذکر حدیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله او را هلاک کننده و خراب کننده خطاب کرد.

### ۵) حرکت های سیاسی حضرت زینب علیها السلام و بانوان کربلا

حضرت زینب علیها السلام پس از مادر بزرگوار خود الگو و اسوه برای همه زن ها و مردها در حرکت و قیام به دنبال امام و رهبر خود بود. آنگاه که امام حسین علیه السلام برای مقابله با یزید و ابن زیاد، مناسک حج را ناتمام رها فرمود و رهسپار سرزمین عراق گردید؛ زینب علیها السلام نیز اعمال حج را به پایان نرسانده به همراه امام و رهبر خویش عازم عراق شد با آنکه می دانست، سرنوشتی سخت و دردآور در انتظارشان است. آن علیا مخدره همواره در طول سفر و روزهای سخت اقامت در کربلا همگام و همراه برادر بزرگوارش بود. وی از زمان طفولیت شاهد رنج و ظلم وارده بر مادرش زهرا ی اطهر و غضب حق ولایت پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام و خنده ها و ظلم های دستگاه حاکم بر برادرش امام حسن علیه السلام و مصیبت عظمای کربلا و بی حرمتی ها و تعرض ها به ساحت خاندان رسالت بود، پس از واقعه

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

کربلا و اسیر شدن در دربار ابن زیاد و یزید که دارای بیشترین قدرت و زور دوران بودند و کسی در برابر آنها جرأت سخن گفتن نداشت، علی رغم مصیبت‌های شدید وارد شده بر آن حضرت که هر فرد سالم را به فراموشی و بهت وامی دارد، بسیار هشیارانه، عالمانه، با فصاحت و شجاعت بود که همگان را به تعجبت انداخت. او در کلامش علاوه بر یادآوری حق برادر، پدر و جدش، چنان سخن گفت تا دل‌های خفته را تکانی دهد و از خواب غفلت بیدار کند تا در آینده جنبش‌های مفید سیاسی بپاخیزد. در حال اسارت بدست ظالمان، چنان آنان را مفتضح کرد که ابن زیاد و یزید قصد کشتن آن حضرت را کردند. زینب علیها السلام همچون پدرش امیرالمؤمنین چنان با فصاحت و بلاغت سخنرانی فرمود که پس از سخنرانی آن حضرت دربار به لرزه درآمد. آن حضرت علیها السلام در برابر ابن زیاد به حمایت از پیشوا و رهبرش، چنین فرمود: «ای پسر زیاد وای بر تو تا کی با لباس نخوت و گمراهی به سوی ما می‌تازی اگر برادرم طلب خلافت بنماید هر آینه جای تعجب نباشد. چه آنکه میراث جد و پدر خود را خواسته، سزاوارتر به منصب خلافت است از تو...» (ر.ک. همان، ج ۳، ص ۱۴۲).

زینب علیها السلام در بارگاه یزید چنان سخنرانی فرمود که درباریان و شامیان به سرافکنندگی و پشیمانی افتادند و یزید با تمام قدرت و ترسی که در دل اطرافیان داشت، در سراسر گفتار آن حضرت، گوش بود. آن بزرگ بانوی آل رسول در ضمن سخنان خویش چنین فرمود: ای پسر اسیری که بر او منت گذاشته او را رهایش کردند. زنان و کنیزان خود را در پس پرده جای می‌دهی و ... پرده نشینان رسول خدا را بی پرده با صورت‌های بدون نقاب به شهرها و بیابان‌ها می‌گردانی ...

. همانا نتیجه کفر و اولاد زنا جز این نکند و احقاد بدریه و احدیه مانند دیگ در سینه آنها جوش می‌زند، چون صوت سوسمار که در جایی بیچد در غلیان است برای کشته‌های بدر و احد این افعال از این جماعت اقتضای خبث آنهاست... یزید، قطع نکردی مگر پوست خود را، نه بریدی مگر گوشت خود را، هر آینه بزودی ملاقات کنی البته جدم رسول‌خدا را با آن بارهای گران از وزر و وبال از ریختن خون‌های ذریه رسول و هتک حرمت پاره‌های تن بتول هنگامی که خداوند متعال آن جماعت پراکنده را جمع‌آوری فرماید و حقوق ایشان را اخذ نماید از ظالمان و دشمنان ایشان و از همه آنها انتقام شدید بکشد و آنها را معذب نماید (ر.ک. ابن طیفور، ۱۹۸۷م: ص ۳۲).

آن حضرت در مجلس دیگر فرمود: ای یزید آیا در کشتن از خدا نترسیدی و این کار تو را کافی نشد تا جایی که بانوان حرم رسول خدا ﷺ را از عراق به طرف شام کوچ دادی و در هتک حرمت ایشان چیزی فرو نگذاشتی و ما را به مجلس خود کشاندی و مانند کنیزان بر شتران بی‌جهاز سوار کردی و شهر به شهر گرداندی. پس از سخنان زینب رضی الله عنها، ام کلثوم رضی الله عنها خواهر آن حضرت در حمایت از امام و رهبرش و رسواکردن، حکومت ظلم، خطاب به ابن زیاد گفت: ای پسر زیاد اگر تو به قتل حسین چشمت روشن گردید هر آینه چشم رسول خدا به دیدار او خرسند می‌شد و او را می‌بوسید و در آغوش می‌کشید، پس در قیامت چگونه به رسول خدا پاسخ می‌دهی! در دروازه شام که شمر مشغول مباحثات به عمل خود بود. ام کلثوم رضی الله عنها خطاب به او گفت: ای ملعون پسر ملعون! خاک بر دهانت باد. لعنت خدا بر ظالمان و بر یزید ملعون، پسر



فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

ملعون فخر می‌کنی که به قتل رساندی کسی را که جبرئیل برای او در گهواره لالایی می‌گفت. آیا افتخار تو این است که کسی را کشتی که جدش خاتم پیامبران بود و پدرش نابود کننده مشرکین...

دیگر از حرکت‌های سیاسی بانوان کربلا، اقدام «سکینه» دختر امام حسین علیه السلام بود، در سال‌های پس از واقعه کربلا که وی در مدینه زندگی می‌کرد، خالد بن عبد الملک حاکم مدینه در روز جمعه بالای منبر به سب امیر المؤمنین مشغول شد، هنگامی که خبر به سکینه رسید، خود را به آنجا رساند و در مقابل خالد ایستاد و با همراهان خود او را سب کرد. خالد که جرأت توهین به آن بانو را نداشت به مردم فرمان می‌داد تا همراهان آن بانو را آزار دهند (ر.ک. محلاتی، بی تا: ج ۳، ص ۲۶۱).

«فاطمه» دختر امام حسین علیه السلام از جمله زنانی است که همراه پدر بزرگوارش در حرکت علیه ظلم و دستگاه غاصبه خلافت، شرکت داشت و پس از واقعه کربلا در کوفه خطاب به مردمی که حمایت از حق را رها کرده و طرفدار حکومت ظلم و غاصب شده بودند، چنین فرمود: ای اهل کوفه! ای اهل غدر و خدعه! خدای عزوجل ما اهل بیت را به شما مبتلا ساخت و ما را وسیله امتحان شما قرار داد. ما را به این آزمایش ستود و فهم و علم خود را نزد ما به ودیعت گذاشت. مائیم ظرف علم و گنجینه فهم و حکمت او... به ما فضیلت داد و شما ما را تکذیب و تکفیر نمودید و ریختن خون ما را حلال شمردید و غارت اموال ما را مباح دانستید... چند خون از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نزد شماست؟ بسا حیل‌ها که با برادر و وصی او علی بن ابیطالب علیه السلام کرده‌اید... (ر.ک. همان، ج ۳، صص ۲۸۸-۲۸۷).

## ۶) حرکت‌های منفی سیاسی زنان

شرکت در مسائل سیاسی ممکن است صحیح یا غیر صحیح باشد، مشارکت سیاسی در راه حق یا غیر حق، مطلب قابل تأملی است که بینش صحیح و درک درست می‌طلبد. آنگاه که رسول‌الله ﷺ در بستر بیماری بودند و دستور فرمودند که مردم نماز جماعت را بخوانند، عایشه پدرش را برای این نماز به مسجد فرستاد و مردم نماز را به امامت او به پا داشتند در حالی که پیش از آن پیامبر ﷺ مکرر تأکید فرمود که برخی از مهاجرین از جمله ابوبکر به لشکر اسامه پیوندند و بدین ترتیب در زمان برپایی نماز باید کیلومترها از مدینه فاصله گرفته بودند. رسول‌خدا ﷺ حتی یک بار با حال بیماری به مسجد رفتند و آنان را که از رفتن تخلف می‌کردند، سرزنش فرمودند (ر.ک. طبری، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۲۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳ق: ج ۹، صص ۱۹۸-۱۹۷). لکن می‌بینیم که در امر جانشینی رسول‌خدا ﷺ عایشه دخالت می‌کند و پدرش را برای این امر برمی‌گزینند.

در قضیه غصب فدک که رسول‌الله ﷺ آن را به زهرا علیها السلام هدیه کرده بود، نیز «اوس بن حدثان» گوید: عایشه و حفصه حضور یافتند و شهادت دادند که پیامبر ﷺ فرمود: «ما انبیاء آنچه که باقی می‌گذاریم برای کسی ارث نیست» (ر.ک. ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳ق: ج ۴، ص ۱۰۱). «مالک بن اوس» هم می‌گوید: شنیدم که عایشه گفت: همسران پیامبر عثمان را نزد ابوبکر فرستادند و سهم الارثشان از رسول‌الله ﷺ را طلب کردند؛ من گفتم: آیا نمی‌دانید که پیامبر فرمود: «لأنورث ما ترکناه صدقه انما یأکل آل محمد من هذا المال» (ر.ک. عاملی، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۲۷؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳ق: ج ۱۶، ص ۲۲۳).

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

«سوده بنت زمعه» که همسر رسول خدا ﷺ بود، هنگامی که دید که اسرای بدر را آورده‌اند و دست‌های «سهیل بن عمر» را با ریسمان به گردنش بسته‌اند، مشرکین را علیه آن حضرت و مسلمانان تحریک کرد، با این عمل وی، رسول الله ﷺ کسی را می‌فرستند تا او را از جانب آن حضرت طلاق دهد. لکن سوده از اشتباه خود شرم‌منده شده و پوزش می‌طلبد و حتی برای باقی ماندن به همسری رسول خدا سهم خویش از هم‌نشینی آن حضرت را به عایشه بخشید تا پیامبر از طلاق او منصرف شوند (ر.ک. ابن کثیر، بی‌تا: ج ۳، ص ۳۰۷).

پس از قتل عثمان، علی‌رغم آیه صریح قرآن که زنان پیامبر باید ملازم خانه باشند و حضور سیاسی اجتماعی چشمگیر نداشته باشند؛ عایشه دختر ابوبکر که لقب ام‌المؤمنین را نیز داشت از موقعیت خود و احترامی که خلیفه اول و دوم به او می‌گذاشتند سوءاستفاده کرد و به بهانه خونخواهی عثمان، علیه خلیفه وقت علی بن ابیطالب علیه السلام که مردم با آن حضرت بیعت کرده بودند، برآشفتم و با تحریک احساسات مردم، لشکر انبوهی فراهم ساخت و جنگی را به پا کرد که بقول طبری بیش از شش هزار مسلمان کشته شدند. از دیگر مشارکت‌های سیاسی غیر صحیح زنان، می‌توان فعالیت «قطام» را نام برد؛ دختری از خوارج که خانواده‌اش از فعالان سیاسی بر علیه حکومت علی علیه السلام بودند و پدر و برادرش در نهران کشته شده بودند، او مهریه خود را قتل امام علیه السلام خلیفه مسلمین، حاکم و رهبر جامعه و مقداری پول قرار داد و ابن ملجم را بر ترور آن حضرت مصمم ساخت (ر.ک. مسعودی، ۱۹۸۵م: ج ۲، ص ۴۲۳). «جعده» دختر «اشعث بن قیس» همسر امام حسن علیه السلام، وعده معاویه برای همسری یزید را پذیرفت. او که در خانواده‌ای

سیاستمدار تربیت یافته بود، آن حضرت را مسموم کرد (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۴، ص ۱۵۴). تا راه حکومت و سیاست معاویه را هموار سازد.

## ۷) نتیجه

بنابراین زنان مسلمان از آغاز گرویدن به دین اسلام و رها کردن شرک و بت پرستی علی رغم دیدگاه‌های آن روز نسبت به زن و محدودیت‌های فراوان و زنده به گور کردن دختران، در مسائل سیاسی مشارکت داشته و در بسیاری از آن فعالیت‌ها حضورشان مثبت بوده است گرچه مشارکت‌های منفی را نیز گزارش کردیم. در هر حرکت و مشارکت باید رضای خدا و حق را در نظر گرفت تا فعالیتی مثبت انجام داد و رستگار شد.

## منابع

### قرآن کریم

- ◀ ——— نهج البلاغه (۱۳۷۱)، (ترجمه سیدجعفر شهیدی)، چ سوم، تهران.
- ◀ ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۳۸۳ق)، شرح نهج البلاغه، (تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم)، چ دوم، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
- ◀ ابن اثیر، علی بن محمد جزری (بی تا)، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بی جا: احمد ابراهیم البنا.
- ◀ ابن سعد، کاتب واقدی، محمد بن سعد (بی تا)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.
- ◀ ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (۱۹۸۷م)، بلاغات النساء، بیروت: الحدائث للطباعة.
- ◀ ابن عبدربه، احمد بن محمد، (۱۴۰۴)، العقد الفرید، (تحقیق مفید محمد قمیحه)، بیروت: دارالکتب العلمیه.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

- «ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، (۳۲۲ق)، الامامة و السياسة، (تصحیح و شرح محمد محمود الراقي)، مصر: مطبعة النيل.
- «ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر، قرشی دمشقی، (بی تا)، البدايه النهایه، (تحقیق احمد ابوملحم و دیگران)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- «ابو ریه، محمود (بی تا)، اضواء علی السنة المحمديه، چ سوم، قم: دارالکتب العلمیه
- «امین، سیدمحسن (۱۴۰۳ق)، اعیان الشیعه، (تحقیق حسن امین)، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- «بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا)، صحیح بخاری، بی جا: دارالمعرفه.
- «جعفریان، رسول (۱۳۸۳)، تاریخ سیاسی اسلام سیره رسول خدا ﷺ، چ سوم، قم: انتشارات دلیل ما.
- «طبری، محمد بن جریر (بی تا)، تاریخ طبری، بیروت: موسسه الاعلامی.
- «عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۴۱۵ق)، الصحیح من سیره النبی، چ چهارم، بیروت: دارالهدی، دارالسیره.
- «غروی نائینی، نهله، (۱۳۷۵)، محدثات الشیعه، تهران: مرکز نشر دانشگاه تربیت مدرس.
- «مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، چ دوم، بیروت: موسسه الوفاء.
- «محلاتی، ذبیح الله (بی تا)، ریاحین الشریعه در ترجمه بانوان دانشمند شیعه، ایران: دارالکتب الاسلامیه.
- «مسعودی، علی بن حسین (۱۹۸۵م)، مروج الذهب و معادن الجوهر، چ دوم، مصر: مکتبه السعاده
- «مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- «کحاله، عمررضا (۱۴۰۴ق)، اعلام النساء فی عالم العرب و الاسلام، چ پنجم، بیروت: موسسه الرساله.